

ناصر مکارم شیرازی



✿ اهمیت مسائل اقتصادی تنها از این نظر نیست که تأمین آزادی و استقلال و حیات مادی امتها ، بدون آن امکان ندارد ، بلکه از این نظر نیز هست که پیوند نزدیکی با مسائل زیربنایی جامعه (بدون استثناء) حتی با مسائل «اخلاقی» دارد .



✿ نه فقط آنها که با دیدیک بعدیشان ، اقتصاد را همه چیز و همه چیز را اقتصاد می بینند ، در اشتباهند ، آنها که نقش حساس مسائل اقتصادی را در سرنوشت ملتها ، در حیات و مرگشان ، و در پیروزی و شکستشان نادیده می گیرند نیز سخت در اشتباهند .

جریان يك اقتصاد سالم در بیکر اجتماع همچون جریان خون سالم در کالبد يك انسان است .

این ساده ترین و درعین حال گویاترین تفسیری است که می توان برای بیان نقش اقتصاد در جوامع انسانی ذکر کرد .

ممکن است در حال عادی توجه به نقش گردش خون ، در حیات يك انسان نداشته باشیم ، اما به هنگامی که مجرای یکی از شاهرها به خاطر اختلال سیستم خدانعقاد ، بالخته ای خون بسته می شود بلافاصله عکس-

نقش اقتصاد ،

در

حیات

و

مرگ ملتها

معنوی هر فرد از روز تولد تا واپسین دقایق زندگی تحت سلطه اصول و قوانین روشهای اقتصادی و اجتماعی قرار دارد ، موقعیت بین المللی ، استقلال ، و رفاه ملتها (همه و همه) منوط به نتایج اقتصادی و اجتماعی آنها می باشد (۱)

و من اضافه می کنم که قبل از تولد ، و حتی پیش از انعقاد نطفه نیز انسان تحت تأثیر این عامل نیرومند قرار دارد ، چه اینکه امروز ثابت شده بسیاری از بیماری های جسمانی یا عقب ماندگیهای فکری که دامن يك انسان را می گیرد ممکن است بر اثر کمبود یا سوء تغذیه پدر و مادر و مظالم اجتماعی باشد که آثار نامطلوبش روی نطفه و جنین مشاهده می شود .

به هر حال چه چیزی از این بدیهی تر می تواند باشد که در سراسر زندگی خود با هزاران مساله روبرو هستیم که هر کدام به نحوی با مسائل اقتصادی پیوند دارد .

* * *

نقش مسائل اقتصادی در شکل اخلاقی جامعه

حتی مسائل اخلاقی نیز به مقدار قابل ملاحظه ای تحت تأثیر عوامل اقتصادی قرار دارند ، ممکن است این سخن برای بعضی از علمای اخلاق گران آید که اینگونه مسائل معنوی چه ارتباطی می تواند با مسائل اقتصادی

العمل شدید آن ظاهر می گردد ، عضوی که مجرای خورش بسته شده فوراً فلج می شود ، و اگر این عضو از اعضای فعالی همانند « قلب » یا « دستگاه تنفس » باشد ، مرگ ناگهانی را حتماً با خود همراه خواهد داشت . حتی « فقر اقتصادی » عوارضی در پیکر اجتماع درست همانند « کم خونی » و « فقر الدم » همراه دارد :

در بیماری فقر الدم چشم درست نمی بیند ، گوش قدرت شنوائی را از دست می دهد ، زبان به لکنت می افتد ، دست و پاها می لرزد ، و مغز هم قدرت اندیشیدن را ندارد .

يك اجتماع که با فقر اقتصادی ، یا يك سیستم ناسالم ، دست به گریبان است ، هر گونه توانائی و مهارت را از دست می دهد ، و گرفتار نارسانیهای مرگباری در همه زمینه ها می شود .

يك سیاستمدار انقلابی ،

يك فرمانده شجاع ،

يك فیلسوف بزرگ ،

يك دانشمند ماهر ،

يك شاعر حماسی ،

يك هنرمند چیره دست ،

و يك تکنسین ورزیده ، هرگز قادر به انجام رسالت خود در جامعه نیست مگر اینکه زندگی اقتصادی مناسب (نمی گویم سرفه می گویم مناسب) داشته باشد .

یکی از دانشمندان در مقدمه اش بر يك کتاب اقتصادی معروف ، تعبیر روشنی از این مسئله دارد ، او می گوید : « زندگی مادی و

داشته باشد ؟

ولی با توجه به این نکته تجربی و حسی که « نگهداری مبانی اخلاقی همچون شهامت ، صراحت ، مناعت طبع ، راستگویی ، امانت ، و استقلال شخصیت ، برای يك انسان گرسنه کار بسیار دشواری است ، جای هیچگونه شکفتی باقی نمی ماند .

نمی گویم يك انسان گرسنه حتماً گرفتار دروغ و تزویر و تقلب می شود و الزاماً ایمان خود را از دست می دهد ، اما می گویم زمینه ابتلای به این انحرافات اخلاقی ، در انسانهای گرسنه بسیار آماده تر است ؛ و این يك امر حسی و تجربی است .

همچنین جای شك نیست که نیازهای مادی و فقر اقتصادی ، انسان را به کارهای زشتی همچون چاپلوسی و تملق و ثنا خوانی افرادی که شایسته سرزنش اند ، و عیب جوئی از آنها که لایق ستایشند ، تشویق می کند

يك ملت گرسنه را خیلی آسانتر می توان به دام استعمار افکند ، و راحت ترمی توان زنجیرهای اسارت و بردگی را بردست و پایش نهاد ، و همه اموال و ذخائر و اختراعاتش را بر باد داد ، چرا که بر اثر گرسنگی حتی توانائی فریاد کشیدن را ندارد !

کوتاه سخن اینکه بحث از اهمیت مسائل اقتصادی برای « ماده گرایان » بخشی زاید است چرا که آنها اقتصاد را همه چیز و همه چیز را در

آن می بینند ، ولی برای آنها که به انسان از دو جنبه جسم و روان ماده و « معنی » می نگرند ، نیز اهمیت مساله روشن است . به دلیل اینکه حداقل ، يك بعد وجود انسان که بعد مادی باشد با آن پیوند نزدیک دارد ، پیوندی که به خاطر ارتباط جسم و جان ، روی بعد دوم (بعد معنوی) نیز اثر می گذارد .

بنابراین نادیده گرفتن مسائل اقتصادی مساوی است با نادیده گرفتن نیمی از هست انسان ، که از نیم دیگر جدا نیست .

قطبهای متضاد در بینش های

اقتصادی

اما با تمام آنچه گفته شد این مسائل پر اهمیت ، از تند رویها ، کند رویها - همانند بسیاری دیگر از مسائل - برکنار نمانده ، و عقاید ضد و نقیضی که در دو قطب کاملاً مختلف قرار دارند در مورد آن اظهار شده است .

در يك سوی خود ماده گرایان را در شرق و غرب جهان با سیستم های متفاوت اقتصادی می بینیم که سخنان - به گفته يك اقتصاددان معروف این است :

« هدف بشر قرن بیستم تأمین حداکثر نتیجه اقتصادی در حداقل مدت ممکن است ! و نیز اضافه می کند: قوای مادی و معنوی افراد بشر و منابع کره زمین برای رسیدن به هدفهای اقتصادی و اجتماعی و اجرای برنامه های ملی با حداکثر سرعت ممکن تجهیز شده است

این موضوع تا آنجا پیش می رود که به
 سیلویو گیزبل در صورتی که منافع
 اقتصادی انسان با عقاید دینی او هماهنگی
 نداشته باشد باید به عنوان يك مسیحی پاك
 ضمیر! عقاید دینی خود را فدای منافع اقتصادی
 و رفاه مادی کند « (۱)

مطابق این پندار انسان هیچ هدنی جز
 هدف اقتصادی ندارد، و تنها برای این هدف
 آفریده شده، و باید دائماً در خدمت آن باشد
 و برای آن گام بردارد.

اما در نقطه مقابل عده ای - همچون
 رایبان قرون وسطا - امور اقتصادی را خار
 راه سعادت انسان می شمردند و از مال به عنوان
 يك وسیله آلودگی و هستی پر هیز دارند!

* * *

بدون شك این هردو گروه
 گمراهند، چرا که برخلاف طبیعت وجود
 آدمی گام برمی دارند، آنها با کیفیت آفرینش
 انسان، و ابعاد وجود او می جنگند، و به همین
 دلیل سرانجام گرفتار شکست خواهند شد، زیرا
 هر جنگی بر خلاف طبیعت انسان محکوم به
 شکست است.

(ادامه دارد)



۱ - خطوط اساسی اقتصاد اسلامی صفحه ۱۳

سال هجدهم شماره ۱۴

تقیه: تقسیم قرآن مجید

۴- کشورهایی که برای جلوگیری از
 زیاده شدن جمعیت، کارشناس می فرستند بهتر
 است جمعیت خود را در حد فعلی نگاهدارند
 تا جمعیت ما به نیمی از جمعیت آنان برسد،
 سپس برای ما طرح و برنامه بریزند.

۵- بهترینست که بودجه ای که در راه
 کنترل جمعیت مصرف می شود، در راه
 فراهم ساختن وسائل زندگی خانواده های
 فقیر مصرف گردد. و به جای انسان کشی، به
 احیاء انسان های فقیر و بی دفاع پردازیم.

ادامه دارد

بترین روش سیاسی

علی (ع):

خیر السیاسات،: العدل.

بهترین سیاستها، عدالت و دادگستری است.

محررالحکم